

نهضت نرم‌افزاری و نقش آن در ارتقای جایگاه آینده‌ی ایران در گستره‌ی جهانی

● محمد حسین پژوهنده*

چکیده

نویسنده در ابتدای مقاله ضمن اشاره به کلام شهید مرتضی مطهری «آیا انسان می‌تواند مسلمان باشد و در عین حال خودش را با مقتضیات زمان تطبیق دهد یا نه؟ گاهی می‌پرسند اساساً با توجه به اینکه مقتضیات زمان تغییر می‌کند چگونه می‌شود انسان دیندار بماند، چون لازمه‌ی دینداری این است که انسان خودش را در مقابل مقتضیات زمان نگاه دارد و مقتضیات زمان تغییر می‌کند و چاره‌ای نیست»، مناسب‌ترین برخورد را اتخاذ موضع نقدی می‌داند. وی سپس به عصر اطلاعات اشاره کرده و ایجاد و گسترش نوآوری‌هایی در عرصه‌ی فهم دین و دینداری را از تحولات و خصوصیات این دوره دانسته است و بیان می‌دارد در این دوره اطلاعاتی که بیشتر مختص متخصصان حرفه‌ای بود اکنون در اختیار همگان قرار گرفته، چنانکه منجر به فرو ریختن مرزهای جغرافیایی و اجتماعی شده است و این تحولات گروه‌های مذهبی را در رقابت جدید و ناشناخته‌ای قرار می‌دهد که ناچار به اتخاذ شیوه‌های مناسب و متناسب با فناوری جدید هستند و همین جاست که مسئله نقد به میان می‌آید.

نویسنده عصر ارتباطات را عصری دانسته است که دیوارها یکی پس از دیگری فرو می‌ریزد بطوریکه از مفهوم «دموکراسی دیجیتال» بهره می‌گیرد. دموکراسی که بر انواع دیگر دموکراسی تأثیر گذاشته و آنها را از درون متحول



می‌کند. بطوریکه می‌تواند ساختار دولت و حکومت را کاملاً متحول نماید. نویسنده سپس با اشاره به مبحث دموکراسی لیبرال و جنبش بیداری اسلامی، لیبرالیسم را موجب بلوک شدن بیش از حد ثروت نزد معدود انسان‌های قدرتمند و بانفوذ دانسته است که در نتیجه فاصله فقر و غنا را در جهان افزایش خواهد داد.

واژگان کلیدی:

عصر اطلاعات، نهضت نرم‌افزاری، دموکراسی دیجیتال، تعاونی جهانی اینترنت.

مقدمه

برای محقق تاریخ تمدن روشن است که وقایع مهم و سرنوشت ساز می‌توانند مبدأ تاریخ و یا آغازگر دوره‌ی تحولی خاصی بوده باشند و از این نظر می‌بینیم که علمای تاریخ، دوره‌ها را به‌عنوان همان موضوع و مسئله نام‌گذاری می‌کنند و این سیره‌ای است که مردم از روزگاران دور نیز از آن پیروی کرده‌اند؛ چنانچه مثلاً تهاجم ابرهه به مکه را «عام الفیل»، و هجرت پیامبر را آغاز تاریخ اسلام نهادند.

تنها فرقی که در این موارد می‌بینیم این است که وقایع مربوط به سرنوشت یک ملت، در همان کشور و سپهر تمدنی آن محدود می‌ماند. و رخدادهای فراگیری که به کل بشریت ربط پیدا می‌کند در گستره‌ی جهانی فراشمول می‌گردد و دوره‌ی تاریخی تکامل انسان را رقم می‌زند. در عصر ما صنعت الکترونیک موجب تحول شگرفی شده است و تبعات آن تمامی بشریت را شامل گردیده و به تعبیر «الوین تافلر» منشأ پیدایش موج سوم گردیده است.

همچنین میزان عظمت و عمق تأثیر این وقایع نیز متفاوت است، برخی تنها خود و تا مدت زمان محدودی به درخشش می‌پردازند و برخی دیگر به مثابه‌ی زیر شاخه‌ی مهمی، چندین سرشاخه را تغذیه می‌کنند؛ همچون مثال بالا که فراپوشنده‌ی عناوین دیگری چون: جهانی شدن، ارتباطات نوین؛ نظم نوین جهانی و... گردیده است و به همین مناسبت نامها و القاب مرتبط با آنها را نیز کم و بیش یافته است؛ القابی همچون: عصر

ارتباطات، دوره‌ی فرامدرنیته و یا عصر جهانی شدن و...

در حقیقت باید از آقای الوین تافلر بسیار تشکر کرد که در تحلیل تاریخی خود از دوره‌های تحولی بزرگ به‌عنوان موج یاد کرده است؛ زیرا بسان موجی از نقطه‌ای شروع و پیرامون خود را تا بی‌نهایت در می‌نوردد و همه‌ی پیرامون از مرکز متأثر می‌گردد؛ ملت‌های غافل به انفعال می‌افتند، و ملت‌های آگاه نیز در برابر آن موضع مثبت یا منفی می‌گیرند؛ زیرا مسئله روز آنها گردیده است، و این برای ما جای بسی خوشوقتی است که خود را در موضع دوم می‌بینیم و عملکردهای آن را مورد ارزیابی و کاوش منتقدانه قرار می‌دهیم؛ اما نخست جای این سؤال است که آیا باید در برابر دگرگون شدن تحولات، خود را سازگاری داد و یا سازگاری با دینداری انسان نمی‌سازد؟ این سؤالی است که شهید مطهری نیز آن را مطرح می‌کند:

«آیا انسان می‌تواند مسلمان باشد و در عین حال خودش را با مقتضیات زمان تطبیق دهد یا نه؟ گاهی می‌پرسند اساساً با توجه به این که مقتضیات زمان تغییر می‌کند چگونه می‌شود انسان دیندار بماند، چون لازمه دینداری این است که انسان خودش را در مقابل مقتضیات زمان نگاه دارد و مقتضیات زمان تغییر می‌کند و چاره‌ای نیست.»^۱؛ لیکن مناسب‌ترین برخورد اتخاذ موضع نقدی است.

چرا در برابر تحولات باید موضع انتقادی داشت؟

پاسخ آن است که تحولات اجتماعی اگر چه به تابع متغیراتی رخ می‌دهند که از پیش وجود آمده‌اند؛ اما همه‌ی آنها حساب شده و طبق برنامه نبوده‌اند و از این روی، چیزی در حد تصادف به حساب می‌آیند؛ دقیقاً چونان علفهایی که در مرغزار می‌رویند؛ برخی در شرایط خاصی مفید و در شرایط خاص دیگر زیانمندند، و برخی در هر شرایط مفید و برخی دیگر در همه‌ی حالات و شرایط به حال انسان مضر هستند، تحولات نیز چنین است، لذا عقل آدمی حکم می‌کند که در میان تحولات، باید تفاوت قائل بود و نمی‌توان به همه‌ی آنها یکسان نگریست. روی همین اصل باید انسان در برابر آنها از در نقد و محک علمی و دینی وارد شود. از باب مثال: «در مورد وسائل خبررسانی و به اصطلاح وسائل

۱. مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، جلد اول، (تهران: انتشارات صدرا، تابستان ۱۳۷۳): ص





ارتباط جمعی و یا به تعبیر فارسی امروزی؛ رسانه‌های گروهی، آدم فکر می‌کند چه از این بهتر که اینجا نشسته باشد و خبری را که به آن علاقمند است سر ساعت بشنود، اما این را هم حساب بکنید که همین، خودش چقدر دلهره‌ها و اضطرابها و چقدر ناراحتیها برای بشر بوجود می‌آورد! بسیاری چیزها وجود دارد که مصلحت بشر در نداشتن آن است؛ به عنوان مثال در قدیم مردمی که در شیراز زندگی می‌کردند، هیچوقت اطلاع پیدا نمی‌کردند که مثلاً در قوچان سیلی آمده و چندین هزار نفر را بی‌خانمان و نابود کرده است، اما حالا اطلاع پیدا می‌کنند و ناراحت می‌شوند و هزاران حوادث ناراحت کننده دیگر که در گوشه و کنار دنیا اتفاق می‌افتد.^۱ بنابراین «با تغییرات زمان نه باید در بست هماهنگی کرد و نه در بست و صددرصد مخالفت کرد؛ چون زمان را انسان می‌سازد و انسان موجودی است که می‌تواند زمان را در جهت‌گیری خوبی تغییر بدهد و می‌تواند زمان را در جهت بدی تغییر بدهد؛ پس با تغییراتی که در جهت خوبی است باید هماهنگ کرد و با تغییراتی که در جهت بدی است نه تنها نباید هماهنگی کرد؛ بلکه باید مخالفت نیز نمود. اکنون سؤال دیگری پیش می‌آید که کدام تغییرات است که باید آنها را به حساب ترقی و اعتلا بگذاریم و کدام تغییرات است که باید آنها را به حساب فساد و انحراف بگذاریم؟»^۲

فایده‌ی نقد و نگرش نقادانه نیز همین است تا سره از ناسره بازشناخته گردد. پس برای دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب، کدام محک را باید به کار برد؟

اگر با دقت به موضوعات اجتماعی بنگریم آنها را بسان آیات الهی، شامل، محکم و متشابه خواهیم یافت. آنانی که نمی‌خواهند حقیقت را دریابند انگشت روی نقاط متشابه نهاده به مغالطه می‌پردازند و افکار را به سوی ناکجا آباد گمراهی سوق می‌دهند؛ لیکن آگاهان و اهل بصیرت به نقطه‌ی خاستگاه مسائل توجه می‌کنند و مسائل را تجزیه و از یکدیگر متمایز می‌سازند و در خصوص موضوعات نوپدید و تحولات نوظهور نیز «چیزی که بیشتر منشأ مغالطه می‌شود خلط میان اندیشه‌های عملی و اندیشه‌های نظری است»،^۳ قدمای فلاسفه متوجه یک نکته بسیار عالی شده بودند و آن اینکه بعضی

۱. تکامل اجتماعی انسان به ضمیمه هدف زندگی. الهامی از شیخ اطائفه، مزایا و خدمات مرحوم آیه‌الله بروجردی، مرتضی مطهری، تکامل اجتماعی، (تهران: انتشارات صدر، تابستان ۱۳۷۳):

صص ۲۴-۲۵

۲. مرتضی مطهری. پیشین، ص ۴۱.



مسائل، قراردادی است نه واقعی، مسائل قراردادی فکر بشر، متغیر است و به آنها اندیشه‌های «علمی» می‌گفتند در مقابل «اندیشه‌های نظری» - و به عبارت دیگر می‌گفتند: فکر بشر درباره‌ی «جهان آنچنان که هست» تابع اغراض انسان نیست، ولی فکر بشر درباره‌ی «جهان آنچنان که باید» تابع اغراض و اهداف انسان است این که دور محال است یا نه، فکری است درباره‌ی جهان آنچنان که هست، اینکه فلان عدد ضربدر فلان عدد مساوی با فلان عدد است، فکری است درباره‌ی جهان آنچنان که هست؛ ریاضیات و فلسفه و طبیعیات جزو علوم نظری هستند ولی علوم که درباره‌ی «آنچه باید» بحث می‌کنند؛ مانند اخلاق، سیاست و تدبیر منزل و نظیر اینها، تغییر می‌کنند.»^۱ و در حوزه‌ی اندیشه‌های عملی قرار دارند.

عصر اطلاعات^۲

عصر حاضر که عصر اطلاعات یا ارتباطات نام گرفته است یکی از همان تحولات عظیم و تاریخ‌سازی است که منشأ تحول در بسیاری از شئون زندگی بشر گردیده است. از خصوصیات این دوره‌ی تحولی آن است که نوآوری‌هایی در عرصه‌ی فهم دین و دینداری گسترانیده و لزوم رویکرد به روشهای نوین و منحصر به خود را در تبلیغ ادیان و فرهنگ دینی نتیجه می‌بخشد و برای هر دین و مذهبی این امکان فراهم می‌آید که فراسوی مرزهای ملی اشاعه یابد. این رخداد اجتماعی همراه با شتابی روزافزون منجر به بروز پدیده‌ی دیگری گردیده است که می‌توان از آن به‌عنوان «جهانی شدن دینی» تعبیر کرد. در روند این فرایند انسانی اطلاعات دینی بطور فزاینده با روشهایی متفاوت جریان خواهد یافت و شکلهای نوین نهادهای مذهبی را بوجود خواهد آورد و در پی آن، محتوا و مضمون فعالیتها و آموزه‌های آنها تغییرات پر آشوب و متلاطم‌تری را نسبت به گذشته تجربه خواهد کرد. چه آنکه «امروزه اطلاعاتی که پیشتر به متخصصان و کاربران حرفه‌ای محدود می‌شد، در دسترس همگان قرار گرفته است؛ به این معنا که مرزهای جغرافیایی و اجتماعی در حال فرو ریختن است و اطلاعاتی که قبلاً فقط به اعضای خاصی تعلق داشت، هم اکنون بطور فزاینده‌ای در معرض استفاده دیگران قرار

۱. همان، چاپ اول: ۱۳۷۰، ص ۱۹۶.



دارد»^۱ و این تحولات گروه‌های مذهبی و متدینان را در قالب جدید و ناشناخته‌ای قرار می‌دهد که ناچار به اتخاذ شیوه‌های مناسب و متناسب با فناوری جدید هستند؛ هم اینجاست که مسئله‌ی نقد به میان می‌آید؛ زیرا اتخاذ هر شیوه‌ای و بکار بستن هر طرحی و استفاده از هر ابزاری - به‌طور چشم بسته، مطلق و از سر انفعال - روانیست. با توجه به آموزه‌های مذکور در بالا به تجزیه و تحلیل موضوع، از دو زاویه یعنی ارتباطات و جهانی شدن می‌نگریم:

الف) نهضت نرم‌افزاری از زاویه‌ی ارتباطات

«چنانکه می‌دانیم از چند دهه پیش از پایان قرن بیستم، دنیا شاهد تحولات شگرفی بوده است که از سرمنشأ اصلی پیشرفت در امر ارتباطات نشأت گرفته است. توسعه دانش ارتباطات در زمانی کوتاه دنیا را به یک دهکده تبدیل کرد، از اینرو دوره‌ای را که در آن هستیم، عصر ارتباطات نام نهاده‌اند، و دیوارهایی یکی پس از دیگری فرو می‌ریزد، دیوارهای فیزیکی همچون مرزهای جغرافیایی، و دیوارهای نامرئی مانند تفاوت‌های فرهنگی. متعهد انجام این طرح جهانی ارتباطات است.»^۲

در اولین نگاه، ذهن انسان به ابزار ارتباطی همچون ماهواره‌ها و گیرنده‌های امواج رادیویی معطوف می‌شود، لیکن پس از تأمل بیشتر می‌بینیم ارتباطات با ابزار ارتباطات فرق دارد.

در زیر به پاره‌ای از ثمرات مثبت ارتباطات که امروزه در قالب نرم‌افزاری الکترونیک عرضه می‌شود، توجه می‌کنیم:

دموکراسی دیجیتال

«از مهمترین آثار پیدایش جامعه‌ی اطلاعاتی، تحول در ساختارهای حکومتی و قدرت و شکل‌گیری نوع خاصی از دموکراسی است که در نظر برخی از اندیشمندان علوم

۱. اینونوباتاکا، «تحولات مذهبی در عصر اطلاعات»، ترجمه فیروزه دشتی، رهاورد نور، سال سوم،

شماره ۸۰ (پاییز ۱۳۸۲): ص ۵۵.

۲. سرژلاتوشه، غربی‌سازی جهان، ترجمه‌ی مشتاق فرهاد صفت، (تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹):

صص ۱۰۴-۱۳۲.



سیاسی سابقه ندارد. این شکل از دموکراسی که اکنون در اصطلاح «دموکراسی دیجیتال» نام گرفته است بر انواع دیگر دموکراسی اثر می‌گذارد و آنها را از درون متحول می‌کند... دموکراسی دیجیتال، فناوری‌های موجود را از طریق فرایندهای انتقال داده‌های دیجیتال به خدمت می‌گیرد. در حال حاضر، مفهوم دموکراسی دیجیتال می‌تواند به طیف نسبتاً وسیعی از کاربردهای فناورانه از جمله «پارلمان‌های مردمی تلویزیونی»، «هیأت‌های منصفه مجازی شهروندان»، «گروه‌های گفتگوی الکترونیک» و «باجه‌های اطلاعات عمومی» اشاره داشته باشد.^۱

تعاونی جهانی اینترنت

«فضای سایبر، اتصال مطلق فرد به جهان خارج خواهد بود، مبادلات اینترنتی، راه دستیابی به سرمایه‌ها و حسابها، خریدها و رزروها، پرداخت مالیاتها، تماشای تولیدات رسانه‌ای (فیلمها، اخبار، ورزش، سرگرمی و غیره)، برقراری تماسهای آنی، ارسال و دریافت پیامها از افراد و گروهها، دریافت اطلاعات ترافیکی و غیره. درست مانند خرید با کارت اعتباری کنونی، هر مبادله هزینه‌ی خاص خود را خواهد داشت که از حساب شما کسر می‌شود... اینترنت یک حوزه‌ی وسایل ارتباطی خاص در محتوا و نقل و انتقال است... جهانی، یک بازار وسایل ارتباط جمعی با اقتصاد خاص در محتوا و نقل و انتقال است... هر کس می‌تواند یک ناشر باشد و آثار خود را منتشر کند. انتشارات در تمام سطوح کیفی و موضوعی و عموماً رایگان وجود دارد. هزینه‌های مربوط به کاربر معمولاً ثابت و معتدل است و هرکس در هر نقطه از جهان، تنها با یک تماس در دسترس است و ارتباط با گروهها به ارزانی و آسانی ارتباط با افراد است. با پرداخت مبلغی ناچیز هم می‌توان به تعاونی جهانی اینترنت ملحق شد. اینترنت با خود جمعی کردن گفتمان را به همراه داشته و نمونه‌ی اصلی دموکراتیزه شدن رسانه‌هاست»^۲

با استفاده از اینترنت می‌توان مشکل تمرکز دولت در پایتخت را نیز حل کرد. هر وزارتخانه در حوزه‌ی کاربردی خود، در یکی از استانها مستقر می‌شود و هماهنگیها با

۱. هادی خانیکی. «دموکراسی دیجیتال»، رسانه، سال پانزدهم، شماره‌ی پیاپی ۵۹، (پائیز ۱۳۸۳):

صص ۶-۵

۲. ریچارد، کی، مور. «دموکراسی و فضای سایبر»، ترجمه‌ی عبدالرضا زکوت روشندل، رسانه،

سال پانزدهم، شماره‌ی پیاپی ۵۹، (پائیز ۱۳۸۳): ص ۹۰.



نشست اینترنتی انجام می‌شود.

«اینترنت، به‌ویژه برای هماهنگی سازمانهای جهانی واقعی در تقویت ارتباطات گروهی، کاهش سفرها و گردهماییها و ایجاد توانایی تصمیم‌گیریهای سریع مؤثر است»^۱

تأسیس دانشگاه علوم و معارف دینی فرامرزی

از میان صدها فرآورده و تولید تمدنی که در قلمرو دانش رایانه‌ای شاهد آن هستیم، نگاهی گذرا و اجمالی به تلاشهایی که در جهت بسط و توسعه‌ی علوم و معارف انسانی و اسلامی در حوزه‌ی فناوری الکترونیکی نوین انجام گرفته؛ چه آن دسته از اهدافی که توسط دانشگاهیان تحقق یافته، و چه اهدافی که توسط جوزویان به ثمر نشسته‌اند، بخوبی گواه بر این مطلبند که صنعت نرم‌افزاری توانسته است نقش بهینه‌ای در تشکیل چنین دانشگاهی ایفا نماید.

پژوهشگران ما توانسته‌اند، در عرصه‌ی نرم‌افزاری، با تولیدات گوناگونی که در زمینه‌ی ادیان و مکاتب، ادبیات، تاریخ، فلسفه، فقه و حدیث و رجال و درایه، تفسیر، بانک‌های اطلاعات عمومی و تخصصی رشته‌های درسی، فرهنگهای لغت به لغت و دایرةالمعارفها، آموزش علوم و حرفه‌ها و صنایع، گامهای مؤثری بردارند، چنانکه کار پژوهش را برای کاربران خود به اندازه‌ای تسهیل نموده‌اند که به راحتی می‌توان ادعا کرد «یک شبه ره صد ساله می‌روند». اینگونه تلاشها عموماً دو دسته‌اند: یکی تک‌نمودی، و دیگری جریانی؛ در مورد تلاش اول می‌توان به سی‌دی‌های علوم و معارف اسلامی در زمینه‌ی آنچه ذکر شد، اشاره کرد؛ برای مورد دومی نیز پایگاههای اطلاع‌رسانی - که خوشبختانه کم نیستند - قوی و بزرگی را به وجود آورده‌اند که ذکر همه‌ی آنها موجب اطناب سخن می‌شود.^۲ اما با همه‌ی اینها این تلاشها نسبت به دنیای غرب

۱. همان، ص ۹۱.

۲. نگاهی به اقدامات مهمی که تا کنون در زمینه‌ی ارائه طرحهایی نو برای تولید نرم‌افزار شناسایی احادیث مشابه، سیستم هوشمند سندشناسی در دانش حدیث، ارائه‌ی طرح کتابخانه‌ی دیجیتالی مرجع علوم اسلامی، فراهم نمودن نرم‌افزارهای قرآنی و حدیثی و تفسیری و فلسفی و عرفانی نور، نرم‌افزار کتابهای اینترنتی اسلامی، تولید نرم‌افزارهای مهدویت، نرم‌افزارهای نهج‌البلغه، نرم‌افزارهای امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری و شهید مطهری و سایر بزرگان و... که از

نقد: ارتباطات تاکنون به دنبال چه بوده است؟

در یک تحلیل تاریخی از زاویه‌ی ارتباطات، و در مقایسه نیمه‌ی اول قرن بیستم با نیمه‌ی دوم آن؛ یعنی قبل از جنگ جهانی و بعد از آن، می‌بینیم چه آن زمان که سطح گفتارهای بین‌المللی بسته و پرفاصله بوده، و چه پس از گسترش دامنه‌ی ارتباطات و بازتر شدن فضا برای پذیرش آواهای متنوع و فراوان ملتها - در کلیت نوعی خود - انسان به وحدت نرسیده؛ بلکه گسرها بیشتر نیز شده است.^۱ در حقیقت، نقش رسانه‌ها در پیام‌رسانی هرگز در سپهر واحد انسانی موفق نبوده است. آیا دستگاه انتقال پیام دور از دسترس بوده، و یا نقصی در نظام رسانه‌ای موجود بوده است و یا اصلاً انتظار ما از ابزار ارتباطات مانند رسانه‌ها، بیش از حد معقول آن بوده است. یعنی در حقیقت، ما وضعیت گفتاری انسانها را که در حال توسعه بوده و هست را با گفتگوی تمدنها به اشتباه یکی دانسته و آن را هدف پنداشتیم؟

مضمون اساسنامه‌ی یونسکو، که در ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵ به تصویب بیست کشور مؤسس آن رسیده و بر همان اساس، بخشهای مهمی از آن نیز به رسانه‌های جمعی واگذار گردیده است، فلسفه‌ی وجودی این سازمان را از میان برداشتن آن دسته از موانع معرفتی بر شمرده که موجب نابردباری، عدم مفاهمه و خشونت و جنگ می‌شوند. «از آنجا که جنگ در ذهن مردمان آغاز می‌گردد، باید صلح را هم در ذهن مردمان بنا نهاد. ناآگاهی از راه و رسم زندگی دیگران، در طول تاریخ بشریت، علت اصلی بی‌اعتمادی و شک در میان مردمان جهان بوده است، اختلافاتی که همیشه به جنگ منتهی شده است.»^۲

عمده‌ترین کارهایی بوده‌اند که تاکنون به وسیله‌ی مؤسسات تولید نرم‌افزارهای اسلامی در ایران بوجود آمده‌اند به‌ویژه آن که اینها به جز آن عده‌ای هستند که در عرصه‌ی کاربرد دانشگاهی تولید و عرضه گردیده‌اند؛ همچنین تلاشهایی که در این زمینه‌ها در خارج از ایران برداشته شده و به حق قابل تقدیراند و مورد اشاره ما واقع نشده‌اند، به حق مؤدبه‌ی وصال و تحقق آرمانهای دیرینه را می‌دهند. (ر.ک. ره‌آورد نور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.)

۱. دکتر ابراهیم محمدی، روزنامه رسالت، (مورخ ۸۱/۵/۶)؛ ص ۱۱.

۲. هادی خانیکی، رسانه، ص ۲۶.





آنچه از این مضمون بدست می‌آید، هدف از آشنایی مردمان جهان به وسیله‌ی ارتباطات، مفاهمه و درک یکدیگر است. اما این نیز هدف اصلی نیست و هدف اصلی رسیدن به صلح جهان گستر و پایدار است.

ب) نهضت نرم‌افزاری از زاویه‌ی جهانی شدن نخست، مسئله‌ای به نام جهانی شدن^۱ یا جهانی‌سازی^۲

گرد شدن زبانها، اخلاق، انعطاف ادیان، درک متقابل گروه‌های انسانی و تسامح در سنتها، گرچه از نگاهی درونی موضوع فاجعه‌آمیزی تلقی می‌شود و در واقع از دور شدن انسانها از کیان و ویژه‌ی خویش خبر می‌دهد؛ اما از نگاه برونی و عام انسانی مژده‌ی نزدیک شدن انسانها به یکدیگر است. و اگر سیر تاریخ انسانیت را بنگریم شفاف‌تر شدن آنها را در مقایسه با مقطع پیشتر ملاحظه خواهیم کرد.

اصل اندیشه‌ی «جهانی» در طبیعت بشر بوده است و در ادیان هم، یک اصل مهم است و از آنجا به فرهنگهای ملتها نیز رسوخ یافته است. بنابراین بشر در هر کجا که هست، دوست دارد با مردمان دیگر رابطه برقرار کند، پس حاضر می‌شود از امتیازات جداکننده‌ی خود عقب نشینی کند.

نتیجه‌ای که می‌گیریم این است که سیستم هوشمند شعور مخفی در نهاد انسان جهانی بریده از اصل خویش، ناخودآگاه تلاش می‌کند هویت پیشین خود را بدست آورد. اگر دانشمندان علوم سیاسی، اجتماعی یا کشف چنین رازی، در خدمت قدرت‌طلبان باشند و ترفندهایی را در جهت رشد و سرعت بخشیدن به آن اعمال کنند و جهانی شدن را به جهانی سازی تبدیل کنند منافاتی در آنها وجود ندارد. چنانکه بعد از فروپاشی امپراطوری عثمانی چندین مرحله داعیه‌داران آن، جای خود را به دیگری داده‌اند. مثلاً فرانسه، انگلستان، آلمان و سرانجام نیز آمریکا.

از این استقرای تاریخی، به‌ویژه پس از جهان شمول شدن لیبرالیسم، چنین می‌فهمیم که یک ملیت خاص را نمی‌توان زعیم آن دانست؛ بلکه این یک سیستم - مثلاً سرمایه‌داری - است که در سطح انسانی جهانی، چون مسابقات فوتبال عمل می‌کند؛ از رقابتهای

1 Globalisme / Globalization

2 Universalization



انتخابی تا مرحله نهایی جام جهانی، تنها شرطش داشتن تواناییهای برنده شدن است که امروز در اختیار آمریکاست و نمی‌توان آن را انحصاری یک ملیت دانست و شاید فردا نیز داعیه‌دار قدرت جهانی و زعیم جهانی سازی ژاپن یا آلمان یا... باشد.

بنابراین، اگر رقابت برای واحد شدن قدرت جهانی همانند فوتبال پیش برود، اعتراضی بر آن نیست و همه حق را به آن دسته‌ای می‌دهند که در برخورد استعدادها، به صورت طبیعی برنده شده است.

دموکراسی لیبرال، یا جنبش بیداری اسلامی؟

گفته می‌شود جهانی شدن به ضرر توده‌های مستضعف و به نفع سرمایه‌داران بزرگ است و موجب بلوکه شدن بیش از حد ثروت نزد معدود انسانهای قدرتمند و با نفوذ است و لذا فاصله‌ی فقر و غنا از این نیز بیشتر می‌شود. این بستگی دارد که میرکاروان که باشد؟ لیبرالیسم یا یک مکتب دیگر؟

لیبرالیسم با فرو ریزاندن جداره‌های قومیت و انسان در قبیله، موفق شد هسته‌های فشار داخل جامعه جهانی انسان را حل و مستهلک کند، و این گام مهمی در مسیر بی اعتبار شدن مرزهای سیاسی و جغرافیایی است (انسان جهانی) و بنابراین زمینه‌ی نامساعد فشار و کنترل و عقب راندن به مرزهای خود وجود ندارد تا به یک انسان آن حق را بدهد که در هر جامعه بخواند، تا هر اندازه‌ای که بخواند، و هر که بخواند استعمار کند و بر آن نیز قادر باشد.

اما به غیر از آزاد مسلکی یا به تعبیر عوامی من، «پله‌گری»، اگر قافله سالار بشریت یکی از فلسفه‌های کنترل کننده‌ی اختیارات چون اسلام‌گرایی باشد، آیا باز هم هراس از فاجعه‌ی مذکور یعنی پیامد ضد مستضعف وجود خواهد داشت؟

به نظر می‌رسد اگر آلتراناتیو لیبرالیسم مکتبی باشد که در آن منطقه‌های حرام نیز تعبیه شده باشد - هر چند ماهیت لیبرالیسم را دارا باشد - جهانی شدن به سود تمامی بشریت خواهد بود؛ یعنی مدینه‌ی فاضله‌ای خواهد بود که تحقق یافته است.

اما در مقابل این نظر، نقطه نظرات دیگری نیز هست که آن را خاکریز فتح جهان به وسیله‌ی نخبگان سرمایه‌داری غرب می‌شناسد.



جهانی شدن و فضای سایبر^۱

در حقیقت مسئله‌ی جهانی شدن، همان انتخاب اصلح در مبارزه‌ی بین اسپرمها و اولوهاست که به انتخاب یکی از دو گروه نر و ماده می‌انجامد. در سطح بشری نیز با درس گرفتن از سیستم فوتبال، می‌بینیم موضوع همان است. دو تیم در نهایت می‌ماند که یکی در مقام اول و دیگری در مقام دوم قرار می‌گیرد. ثنویت در عین وحدت. اما چرا باید ثنائیتی باشد؟ زیرا هم رقابتی باشد که منشأ رشد است و هم اینکه دو تیم پیش افتاده برای معاضدت یکدیگر لازم است. دیگر اینکه اگر ثنائیت را کنار بگذاریم، آلترناتیو از بین می‌رود. اما چرا باید آلترناتیوی باشد، زیرا آلترناتیو همان نیروی واجد شرایط عهده‌داری زعامت طبیعی است.

با این حساب، جهانی شدن تئوریزه می‌شود؛ لیکن جهانی سازی را نمی‌توان با هیچ محملی انطباق داد؛ زیرا خارج از مقوله‌ی طبیعی است. منظور ما این است که جهانی سازی برخلاف اصل است، هر چند که با نظر عامی به مسئله‌ی آفرینش می‌بینیم چنین ایده‌ای باید وجود داشته باشد؛ یعنی اگر روحیه‌ی تهاجم را از نهاد بشر خارج کنیم، هیچ داعیه‌ای برای پیشرفت و برگزار شدن مسابقه‌ی بشری در هیچ گرایشی منعقد نخواهد شد. حتی می‌توان گفت بدون چنین ایده‌ای تیم پیروز نمی‌تواند موقعیت خود را حفظ کند. اما چرا باید تیم پیروز موقعیت خود را حفظ کند؟ زیرا همواره باید اصلح در موقعیتی از کمال باشد که رشد یافته‌ترینها بتوانند با او رقابت کنند تا پیروزترین در سطح جهان مشخص شود.

«جهانی شدن به معنی کودتای نخبگان است. برتری سیاسی موقتی در غرب به صورت نظام‌مند در حال تبدیل به یک برتری سیاسی و جهانی دائمی، که شبکه‌ی کمیسیون‌ها و کارگزاران زیر سلطه نخبگان نهادی شده است، می‌باشد. نخبگان بازی صوری را کنار گذاشته‌اند و شهروندان خود را در وضعیت شکل گرفته می‌بینند...»^۲

«جهانی شدن نیز به نوبه‌ی خود، نمونه‌ی بهتری از تأثیر قوی تبلیغات رسانه‌ای است. بحث تئولیبالیسم، - با اصلاحات نیروی بازار و دولت کوچکتر - فقط بخشی از مناظرات عمومی نیست؛ بلکه چارچوب آن را شکل می‌دهد. سیاستمداران و رهبران

۱. شبکه‌ی پهنای باند دیجیتالی جهانی، به معنی سخت‌افزار فضای سایبر است.

۲. ریچارد، کی، مور، پیشین، ص ۹۶-۹۷.



دولتی به ندرت دربارهی بود یا نبود پذیرش جهانی شدن بحث می‌کنند و به جای آن از سیاستهای ملی که به بهترین حالت با تقاضاهای جهانی شدن سازگاری دارد، حمایت می‌کنند...

رسانه‌های جمعی خط مقدم کنترل جهانی‌گرایی یکپارچه جمعی هستند، همانند خندقها در نبرد برای دستیابی نخبگان! این واقعیت، به علاوه‌ی نیروی بازار، فوریت بیشتری به گامهای تمرکز رسانه‌ای جهانی می‌دهد، وقتی پخش آنلاین آگهی‌های تجاری فضای سایبرآغاز شود، باید اهمیت اساسی مرکزی رسانه‌های تحت تسلط شرکتها در فرایند جهانی شدن و کنترل نخبگان بطورکلی، در نظر گرفته شود و سرنوشت فرهنگ اینترنت نیز پیش‌بینی گردد. به همین منظور، برخورد با فضای سایبر و اینترنت در رسانه‌های جمعی در سالهای اخیر نشان از افزایش بینش دارد.^۱

چه کسی بر آرمان شهر سایبر و اینترنت حکومت خواهد کرد؟

سنت لایتغیر الهی بر آن قرار گرفته است تا عالمان، صالحان، خالصان، سخت‌کوشان و مؤمنان در مقام برتری قرار گیرند و این سنت ثابتی است که در کلیت خود بر همهی انسانها یکسان حکومت می‌کند. با این حال، روشن است که امروزه برخلاف گذشته، آنچه ارزش تلقی می‌شود و وراثت سلطه را به انسان ارمغان می‌دهد، همانا دانش کارآمد و سلطه‌ی آگاهی فنی است.

«ممکن است از فضای سایبر به‌عنوان نوعی آرمانشهر یاد کنند که در آن هر نوع درخواست ارتباطی امکان‌پذیر می‌باشد، اما سؤال این است که چه کسی قرار است بر این آرمانشهر حکومت کند؟ ما کاربران اینترنت تصور می‌کنیم که با حرکتی موزون و آرام به درون این آرمانشهر وارد خواهیم شد تا به مقاصد خلاقانه خود صورت واقع ببخشیم؛ درست همانطور که به اینترنت وارد شدیم؛ اما دیگری هم هستند که این آرمانشهر را طراحی کرده‌اند و برای ورود به این آرمانشهر، دیگران نیز خود را آماده کرده‌اند.»^۲

دکتر «محسنیان راد» در این مورد معتقد است که اینترنت در حال حاضر فقط یک

۱. همان، ص ۹۹.

۲. پیشین، ص ۱۰۱.



اتوبان یکطرفه است. یعنی به وسیله‌ی غرب اشباع می‌شود و دیگران فقط از کالاهای عرضه شده می‌توانند استفاده کنند:

«مهم این است که شما در این قانون یکطرفه بتوانید شرایطی ایجاد کنید که امکان ترافیک دو طرفه فراهم شود. و این ترافیک زمانی فراهم می‌شود که امکانات آن؛ یعنی بانکهای اطلاعاتی و دایرةالمعارفها را داشته باشیم و آن فونداسیون‌هایی که ما در آنها عقب هستیم بتواند شکل بگیرد. این امر مستلزم مطالعه و تحقیق اساسی در برنامه‌ی به نسبت درازمدت است؛ زیرا اینترنت مثل دیشهای ماهواره نیست که معلوم و قابل کنترل باشد. یافتن پاسخ قطعی برای آن، مستلزم این است که ما بدانیم چقدر از این شبکه برای توسعه‌ی علوم استفاده می‌شود، روزانه چقدر اکتشاف داریم، چند محقق و استاد برای تألیف و کارهای علمی پژوهشی تجهیز شده و کار می‌کنند.»^۱

نقد

مروری هر چند گذرا و کوتاه بر سبب روند تحولاتی که اینترنت و شبکه‌ی جهانی وب، از سالهای دهه‌ی شصت قرن بیستم تاکنون طی کرده است، هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که هم اکنون «شبکه» اینترنت در طول دهه‌ی اخیر بصورت یکی از اصلی‌ترین ابزار کارآمد تبلیغات و ارتباطات و بازرگانی درآمدی است و این جریان ادامه می‌یابد تا در خلال سالهای آینده تمامی امکانات و سیستم‌های اطلاع‌رسانی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد... شمار دستگاههای وابسته به این شبکه در فاصله‌ی سالهای ۴-۱۹۹۲ از مرز ۹۲۲ به ۸/۱ میلیون نفر؛ و در سال ۱۹۹۹ به ۲۵ میلیون نفر رسیده است و این در حالیست که در این تاریخ تعداد کاربران، بالغ بر ۸۳ میلیون نفر بوده که با بیش از ۸۰۰ میلیون صفحه «وب» روی سایت‌های شبکه سروکار دارند و با این حال پیش‌بینی جریان رشد، انتظار می‌رود شمار کاربران اینترنتی به رقمی بالغ بر ۵۰۰ میلیون نفر برسد.^۲ با این حال، اینترنت نمی‌تواند بطور دربست کارگشا و مورد اعتماد باشد؛ زیرا بدون شک کنترل و حفاظت کامل آن در دست پنتاگون است، هر چند به ظاهر ادعا می‌شود که این

۱. دکتر محسنیان راد، «ماهواره، اینترنت و رسالت حوزه‌ها»، اندیشه‌ی حوزه، سال سوم، شماره‌ی

۲ و ۳، ص ۱۵۲

۲. الکترونیتر و الاتصالات و الکترونیک، نشریه‌ی مجموعه‌ی دارالاصیاء، بیروت، لبنان، (نوامبر

۱۹۹۹)، ص ۹۵.

ضرورتها و بایسته‌ها

۱. توسعه‌ی فناوری نرم‌افزاری در عرصه‌ی تبلیغ دین

بدون شک، از جمله نیازهای جامعه‌ی روبه رشد ما در حال حاضر، توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) است.^۱ ناگفته پیداست که تأمین نیاز به منظور نیل به اهداف از پیش تعیین شده، مستلزم سیاستگذاری مناسب و بسترسازی بهینه (امور سخت‌افزاری) در جهت کارآمد ساختن نیروهای بالقوه است. در این میان، آنچه به ضرورت نیل به نتایج کاربردی ICT و حرکت روبه رشد آن را در مسیر توسعه تضمین می‌بخشد، استفاده از نخبگان و نیروهای متخصص در حوزه‌ی علوم و معارف دینی است تا با برخورداری از قدرت مالی و اجرایی کافی از این مکان بالقوه‌ی مادی بهترین بهره‌ها را ببریم.

«شرط استمرار موفقیت در عرصه‌ی ICT و نتیجه بخش بودن فعالیتهای مربوط به آن، در پذیرش و ترویج فرهنگ ICT نهفته است. بطور کلی فرهنگ ICT به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول، مربوط به کاربران، و بخش دوم به مدیران و ارائه دهندگان ICT اعم از IIP (ارائه دهندگان و تأمین کنندگان خوراک اطلاعاتی) و ISP (ارائه دهندگان خدمات اینترنتی) ارتباط دارد. اگر در جوامع، فناوری گسترش یابد، اما عموم مردم با فرهنگ استفاده‌ی بهینه از آن آشنا نباشند، در هیچ عرصه‌ای شاهد پیشرفت و شکوفایی نخواهیم بود... چه بسا یکی از طرق انتشار این فرهنگ، در اختیار نهادن امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کمکی، و ارائه‌ی رایگان و یا با هزینه‌های بسیار پایین آنهاست. سرعت پایین، هزینه‌های بالا، امنیت متزلزل در برابر نفوذگرها (هکرها) و ویروس‌ها، پایین بودن ضریب کیفیت، ارائه نامطلوب اطلاعات، بی‌توجهی به نیازها و سلیقه‌های کاربران، دیر و بد پاسخ دادن، در نظر نگرفتن شخصیت و عقاید مخاطبان، نامتناسب بودن برخوردها نسبت به سن و جنسیت، و بسیاری از موارد مشابه دیگر، همگی سبب می‌شوند تا شیرینی حضور در این عرصه به تلخی، واپس‌زدگی و ناامیدی



مبدل شود»^۱

۲. ضرورت یک کتابخانه‌ی مرجع الکترونیکی جهان اسلام

پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اسلامی اینترنتی منابع مطالعاتی مناسبی برای کسانی که در حوزه‌ی دین تحقیق می‌کنند، و هر کدام بسته به گرایش خاص خود، آرشیو و کتابخانه‌ی مستقلی دارند که در همان پایگاه به ارثه‌ی خدمت می‌پردازند، با این حال نیازهای مراجعان خود را - هرچند محدود - برآورده می‌سازند. شیعه سرچ^۲ از وجود قریب به ۲۸۰۰ عنوان کتاب، تنها در پایگاه‌های شیعی خبر می‌دهد و این در حالیست که جز اینها پایگاه‌های اطلاعاتی اسلامی در کشورهای عربی و غیره تلاشهای ارزنده‌ای در تهیه‌ی آرشیو و کتابخانه‌های جامع و حتی در زمینه‌ی موتورهای کاوشگر انجام داده‌اند.^۳ در واقع وجود چنین امکاناتی، پژوهشگران را بر تحقق اهداف مطالعاتی یاری

۱. مجید کافی امامی، «فناوری در خدمت تولید دانش دینی»، ره‌آورد نور، سال چهارم، شماره ۸، (پائیز ۱۳۸۳): ص ۱۱.
۲. shiasearch یکی از پایگاه‌های اطلاعاتی مهم اسلامی در مشهد است.
۳. الف) برخی از موتورهای تخصصی اسلامی:

WWW.musalman.com

www.imuslim.com

<http://islamseek.com>

www.seeru.com

<http://islamicweb.hypermart.net>

www.muslimonline.com/search.html

www.musalman.com/search

www.bismilah.com

www.islamhoo.com

ب) برخی از شاهراه‌های اطلاعاتی مربوط به اسلام:

<http://B//directiry.google.com/top/society/religion-and-spirituality/islam>

www.islamicfinder.org

<http://islamicwell.com>

<http://abujasir.tripod.com>

www.talkislam.com

<http://rahna,a.noornet.net>

www.shiasearch.net

www.shiasearch.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



می‌رساند چنانکه همواره اغلب کاربرانی که با شبکه‌ی وب سروکار دارند، از این منابع استفاده می‌کنند؛ لیکن با توجه به رشد و گسترش روزافزون علم، و توسعه‌ی دامنه‌ی نیازها، لازم است که در ادامه‌ی این تلاشها، کتابخانه‌های دیجیتالی^۱ و در پی آن، کتابخانه‌های مجازی^۲ جای آرشیوها و کتابخانه‌های سنتی را بگیرند.

نقد:

تشکیل کتابخانه‌ی مجازی جامع اسلامی، با توجه به حقوق بین‌المللی مؤلفان و پدیدآورندگان Copyright Low نیازمند تشریح مساعی همه‌ی مؤسسات رایانه‌ای است که تاکنون در این راستا به تولید و تأسیس پایگاه و موتورهای جستجو پرداخته‌اند. بدیهی است بدون هماهنگی و جلب مساعدت همه‌ی این شخصیت‌های حقوقی و یا حقیقی، تنشها و چالش‌هایی، به همراه خواهد داشت؛ مگر آنکه طراحی مستقلی از سوی یکی از مراکز جهانی اسلامی مانند دارالتقریب اسلامی، سازمان کنفرانس اسلامی و امثال اینها، با سرمایه‌گذاری بین‌المللی اسلامی، بعمل آید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1 Digital library
2 Virtual library